

مقالات تاریخی^۱ و به سال ۱۳۸۹ ش. در مجموعه «پنجاه سفرنامه حج قاجاری» با ۴۳ صفحه وزیری آمده که مقاله حاضر بر پایه همان است.^۲ نسخه‌ای دیگر از این سفرنامه که در تصحیح حاضر از آن استفاده نشده، در فهرست مرکز احیاء میراث اسلامی معرفی شده^۳ که به سخن مصحح، تفاوت‌هایی اندک با این نسخه دارد. (ص ۶۹۵، مقدمه مصحح)

قم، احیاء التراث الاسلامی، ۱۳۸۳ ش؛ فهرست نسخه‌های خطی: محمد تقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ ش؛ مقالات تاریخی: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷-۱۳۸۸ ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. ابراهیم احمدیان



تیموریان: سلسله‌ای حاکم بر ایران و

بنیان‌گذار اقداماتی در حرمین

سلسله تیموریان (حک: ۷۷۱-۹۱۶ ق.) منسوب به بنیان‌گذار آن تیمور لنگ در ماوراءالنهر به مرکزیت سمرقند بنیان نهاده شد و به زودی قلمرو آن گسترشی چشمگیر یافت. با مرگ تیمور، جانشینانش به دلیل رقابت با مدعیان قدرت، بخشی گسترده از قلمرو خود را از دست دادند و با کاهش اقتدار روبه‌رو شدند. با وجود این، حکومت آنان تأثیرات فرهنگی و تمدنی درخور توجهی به ویژه در شرق ایران بر جای نهاد. وسعت قلمرو، پیروزی بر دولت عثمانی، گسترش تصوف و تشیع، و ظهور جنبش‌های سیاسی - مذهبی از ویژگی‌های دوره تیموریان است. از کوشش‌های مربوط به حج و حرمین در عصر تیموریان، می‌توان به ارسال پرده کعبه و تلاش برای تأمین امنیت مسیر حج شامی اشاره کرد. (← ادامه مقاله)

◀ منابع

الاماکن: محمد بن موسی الحازمی (م. ۵۸۴ ق.)؛ پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ ش؛ تذکرة الطریق فی مصائب حجاج بیت الله العتیق: محمد کربلایی (م. قرن ۱۳ ق.)، به کوشش دوغان، قم، مورخ، ۱۳۸۶ ش؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق؛ رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری: محمد ترکمان، رسا، ۱۴۰۳ ق؛ سفرنامه سیف الدوله: سیف الدوله (م. قرن ۱۴ ق.)، تهران، نشر نی، ۱۳۶۴ ش؛ سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی: محمد حسین فراهانی (م. قرن ۱۴ ق.)، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی، ۱۳۶۲ ش؛ شرح حال رجال ایران: مهدی بامداد، تهران، زوار، ۱۳۵۷ ش؛ فهرست نسخه‌های خطی: سید احمد حسینی اشکوری،

۱. مقالات تاریخی، ج ۹، ص ۱۱-۴۳.

۲. پنجاه سفرنامه، ج ۴، ص ۶۹۱-۷۲۲.

۳. فهرست نسخه‌های خطی، اشکوری، ج ۶، ص ۲۹۶.

کند.^۴ ملقب شدن وی به گورکان از این رو بود که پس از قتل امیر حسین خان، شریک قدرتش در ماوراء النهر، با یکی از زنان حرمسرای او یا دختر وی ازدواج کرد.^۵

تیمور به سوی غرب، از جمله ایران، یورش‌هایی سامان داد که با نام یورش سه ساله (۷۸۸-۷۹۰ ق.)، پنج ساله (۷۹۴-۷۹۹ ق.)^۶ و هفت هفت ساله (۷۹۲-۸۰۷ ق.) مشهورند. بدین ترتیب، وی قلمرو خود را افزون بر آسیای میانه و ماوراء النهر، تا سواحل دریای مدیترانه و مسکو و هند (۸۰۰ ق.) گسترش داد.^۷ از مهم‌ترین پیروزی‌های او، غلبه بر بایزید، سلطان عثمانی، و اسیر گرفتن وی به سال ۸۰۴ ق. است.^۸ سرانجام تیمور در لشکرکشی به چین در نزدیکی شهر اُترار به سال ۸۰۷ ق. درگذشت.^۹ انگیزه تیمور از این یورش‌ها را مشغول ساختن سپاهیان، دریافت غنیمت، تسلط بر راه‌های تجاری، و شهرت‌طلبی دانسته‌اند.^{۱۰}

بنیان‌گذار سلسله تیموریان، فردی از نوادگان چنگیز خان مغول به نام تیمور پسر امیر طرغای از بزرگان قبیله برلاس بود که به سال ۷۳۶ ق. هم‌زمان با مرگ ابوسعید بهادر خان، واپسین ایلخان مغول، در کیش نزدیک سمرقند زاده شد.^۱ از این هنگام تا قدرت‌گیری او گزارشی در دست نیست. وی در ماوراء النهر با داشتن پایگاه قبیله‌ای از اوضاع آشفته آن جا که خاندان‌هایی از مغولان با یکدیگر رقابت داشتند، سود جست و با نزدیک کردن خود به تعلق تیمور، پادشاه مغولستان، که به سال ۷۶۱ ق. به ماوراء النهر لشکر کشیده بود، از سوی وی بر آن جا حاکم شد؛ اما سال بعد در نبرد با الیاس خواجه، فرزند تعلق، شکست خورد.^۲ پس از مدتی که هنگام دقیق آن دانسته نیست، قدرتی یافت و دعوت حاکم سیستان را برای دفع شورش آن سرزمین پذیرفت. همان جا در هجوم سخت مخالفان، پایش مجروح شد و به تیمور لنگ مشهور گشت.^۳ بازگشت تیمور به ماوراء النهر در حالی که اوضاع آن آشفته بود، به او یاری کرد تا با حذف رقیبان، قدرت خود را افزایش دهد و دولتی را در سمرقند تأسیس

۴. سفرنامه فوروکاوا، ص ۶۲.
 ۵. ظفرنامه، یزدی، ج ۱، ص ۴۰۰؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۶۳۴.
 ۶. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۹۶؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۶۰.
 ۷. تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۶۹.
 ۸. اکبرنامه، ص ۶۰۲؛ تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۸۳؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۸۸.
 ۹. عجائب المقدور، ص ۲۲۱-۲۲۲؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۹۱؛ مطلع سعدین، ج ۱، ص ۷.
 ۱۰. تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۷۹.

۱. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۹۲؛ مطلع سعدین، ج ۱، ص ۱۳۲.
 ۲. تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۶۹؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۵۳.
 ۳. احیاء الملوك، ص ۱۰۳؛ تاریخ ایران، ج ۲، ص ۱۷۲.

پس از مرگ تیمور، میان فرزندانش پیر محمد جهانگیر و لיעهد تیمور، شاهرخ، و خلیل سلطان فرزند میرانشاه (نوه تیمور) ستیزهایی در گرفت^۱ و سرانجام شاهرخ (حك: ۸۰۷-۸۵۰ق.) که در هرات به سر می‌برد، به سبب اقتدار و کفایتش توانست بر مدعیان چیره شود. وی به سال ۸۰۹ق. مازندران، در سال ۸۱۱ق. کرمان و به سال ۸۱۹ق. آذربایجان را که پس از تیمور سر به شورش نهاده بودند، فتح کرد و با شکست دادن قرايوسف، از امیران قره‌قویونلو در آذربایجان (۸۲۳ق.) برشمال غرب ایران موقتاً تسلط یافت. سپس از مصر نمایندگانی برای تبریک پیروزی‌های وی به ایران آمدند.^۲

شاهرخ در ۴۳ سال حکومت، با کنار نهادن شیوه کشورگشایی پدر، پایتخت را از سمرقند به هرات منتقل کرد و به بازسازی بخشی از ویرانی‌های تیمور پرداخت.^۳ لغو قوانین یاسای چنگیزی (۸۱۵ق.) و جایگزین ساختن فقه اسلامی که پس از او نیز فرمانروایان تیموری بدان پایبند ماندند، از کارهای او به شمار می‌رود.^۴ با مرگ شاهرخ، فرزندش آغ بیک

(۸۵۰-۸۵۳ق.) در سمرقند بر تخت نشست. وی در سال ۸۵۳ق. به دست فرزندش عبداللطیف (۸۵۳-۸۵۴ق.) به قتل رسید.^۵ از این هنگام، افزون بر شدت یافتن نبرد میان امیران تیموری و کشته شدن برخی از آنان، در شمال غرب ایران ترکمن‌های آق‌قویونلو سر به شورش برداشتند.^۶ نیز تیموریان در شرق با یورش‌های ازبکان مواجه گشتند و در برابر یورش آنان تاب نیاوردند.^۷ سرانجام فشار ازبکان موجب پناهنده شدن بدیع الزمان فرزند حسین میرزا به سال ۹۱۶ق. به شاه اسماعیل (حك: ۹۰۷-۹۳۰ق.) بنیان‌گذار سلسله صفویان شد.^۸ نیز با پناهنده شدن محمد زمان میرزا، واپسین شاهزاده تیموری، به دربار ظهیرالدین بابر تیموری، بنیان‌گذار دولت بابریان (گورکانیان یا مغولان کبیر) در هند (۹۳۳ق.) سلسله تیموریان برچیده شد. البته دولت بابریان که به تیموریان نسبت می‌یافت و هویتی متمایز داشت، چند سده در هند دوام آورد.^۹

۵. تاریخ حبیب السیر، ج ۵، ص ۴۲؛ احسن التواریخ، ج ۱، ص ۴۶۵؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۶۰.

۶. نک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۹؛ تاریخ ایران از زمان باستان، ص ۲۲۷.

۷. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۵۲۷؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۶۴۹.

۸. تاریخ تطبیقی ایران، ص ۳۷۸؛ رجال کتاب حبیب السیر، ص ۲۰.

۹. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۷۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، ص ۴۷.

۱. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ص ۱۴۱؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۶۰؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۶۴۲.

۲. تاریخ روضه الصفا، ج ۶، ص ۴۸۲۳.

۳. شرفنامه، ج ۲، ص ۷۸؛ تاریخ کامل ایران، ص ۳۳۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۸.

۴. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۱۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۱؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۶۶.

استرآبادی حروفی) و مشعشعیه (از شیعیان و پیروان سید محمد فلاح) در خوزستان بودند و آن‌ها و نیز سادات مرعشی و سادات آل کیا را در شمال ایران سخت سرکوب کردند.^۵

از ویژگی‌های عصر تیموری، رواج فرقه‌های صوفی همانند نوربخشیه و نقشبندیه و حمایت برخی امیران تیموری از آنان و نیز دیدار با بعضی از متصوفه و یا زیارت مزار ایشان، از جمله شیخ احمد جام، شیخ ابواسحق کازرونی، شیخ معظم سیدی داود، شیخ حموی، و شیخ ابوالحسن خرقانی است.^۶ از میان تیموریان، سلطان ابوسعید و الغ بیگ و نیز وزیر برجسته آنان امیر علیشیر نوایی در زمره امیران دانش‌پرور و حامیان دانش و ادب پارسی بودند. الغ بیگ رصدخانه‌ای در سمرقند بنا کرد. وی اهل دانش بود و دانشیان را دوست داشت. تنظیم زیج الغ بیگی از کارهای او است.^۷

از تیموریان آثاری بر جای مانده که بیشتر آن‌ها در سمرقند و هرات بنا شده‌اند. مسجد جامع سمرقند که به دستور تیمور ساخته شد^۸ و

تیموریان پیرو مذهب حنفی بودند؛ اما با پیروان مذاهب دیگر مانند شیعیان با تسامح برخورد می‌کردند. توجه به شهرهای مذهبی همانند مشهد مقدس و زیارت امام رضا علیه السلام، ساختن مسجد گوهرشاد و تقدیم هدایا به آستان قدس رضوی مانند اهدای قندیلی از طلا به دست شاهرخ به وزن سه هزار مثقال^۱ گویای این ادعا است. بر پایه گزارشی اثبات نشده و مبالغه‌آمیز، سلطان حسین بایقرا (حك: ۸۷۵-۹۱۱ق.) در صدد رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع بوده است.^۲ شیعیان در این دوره، به رغم برخی محدودیت‌ها با آزادی بیشتر نسبت به دوره‌های پیشین توانستند به تبلیغ مذهب خود پردازند. شاعران شیعه نیز به ستایش ائمه علیهم السلام در سطح گسترده پرداختند.^۳ عصر تیموریان را به لحاظ گسترش تشیع می‌توان از عوامل زمینه‌ساز رسمی شدن مذهب تشیع در دوره صفویان (حك: ۹۰۷-۱۱۳۵ق.) قلمداد کرد.^۴ البته تیموریان شاهد ظهور نهضت‌های سیاسی - اجتماعی مانند حروفیه (پیروان فضل الله

۱. تاریخ روضة الصفا، بخش ۲، ج ۶، ص ۵۳۳۴؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۶۷۹.

۲. تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۱۴۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۵۴-۵۷.

۳. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، ص ۶۲۲؛ ج ۴، ص ۵۶، ۱۸۳.

۴. تاریخ اجتماعی ایران، بخش ۲، ج ۸، ص ۶۰؛ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۵۵-۵۶.

۵. تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۱۴۴؛ ظفرنامه، شامی، ص ۲۰، «مقدمه».

۶. زبدة التواریخ، ج ۱، ص ۵۰، «مقدمه»؛ ج ۴، ص ۶۱۲-۶۱۵، ۷۱۷-۷۱۸.

۷. فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۱، ص ۱۲۸؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۲۸۷.

۸. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۴۸۱؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، ص ۳۲۶.

نیز مسجد گوهرشاد که به فرمان همسر شاهرخ، گوهرشاد آغا، در مشهد ساخته شد، شهرت جهانی دارند.^۱

◀ تیموریان و حرمین شریفین:

حاکمان تیموری به انجام حج توفیق نیافتند. تیمور بیشتر عمرش را در جنگ‌ها و فتوحات گذراند و فرصت حج‌گزاری نیافت؛ اما خدماتی را برای حرمین و حاجیان انجام داد. بر پایه گزارشی، سید برکه، پسر و مقتدای تیمور و از بزرگان مکه، برای گرفتن درآمد اوقاف حرمین نزد تیمور به ماوراءالنهر رفت و تیمور ضمن واگذاری اوقاف به او، برکه را در زمره ملازمان خود نهاد.^۲ بر پایه گزارشی دیگر، تیمور به درخواست سید برکه، اندخوی در نزدیکی بلخ را وقف حرمین کرد و سید را به سرپرستی آن برگزید. شیوه تیمور، احترام به سادات بود و آورده‌اند که در کشتارهایش سادات سرزمین‌های فتح شده را از دیگران مستثنا می‌ساخت.^۳

به گفته اسفزاری، در روزگار سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۵-۹۱۱ق.) هر سال مسؤولانی از مکه و مدینه برای جمع‌آوری درآمد اوقاف

به بلخ که مرکزیت داشت، می‌آمدند.^۴ از دیگر کوشش‌های تیمور در زمینه حج آن بود که وی پس از فتح شام و مصر، طوایفی را که با راهزنی، امنیت کاروان‌های حاجیان را از میان برده بودند، از شام به پیرامون بلخ تبعید کرد. بعدها این طوایف به نام او به «تیموری» معروف شدند.^۵ البته ورود تیمور به سرزمین شام، محتلی بزرگ در پی داشت و موجب تعطیلی حج از راه شام به مدت دو یا سه سال از سال ۸۰۳ق. تا ۸۰۵ق. شد.^۶ آورده‌اند که تیمور نیز پس از فتح شهر حلب و دمشق، جلسات علمی در زمینه مباحث دینی و کلامی با حضور دانشمندان آن سرزمین برگزار کرد. نیز وی در شام با ابن خلدون دیدار داشت و از دانش سرشار او شگفت‌زده شد.^۷ در پی پیروزی‌های چشمگیر تیمور، سلطان فرج پادشاه مملوکی مصر (حک: ۸۰۱-۸۱۵ق.) با تیمور روابطی دوستانه برقرار کرد و دستور داد تا به نام او افزون بر شام در مصر نیز خطبه بخوانند و سکه ضرب کنند.^۸

بر پایه گزارشی، در ۱۶ ذی‌قعدة سال ۸۰۷ق. شایع شد که محمل عراقی همراه پسر

۱. تاریخ روضة الصفا، بخش ۲، ج ۶، ص ۵۲۳۴.

۲. تاریخ الفی، ج ۷، ص ۴۶۷۸؛ تاریخ روضة الصفا، بخش ۱، ج ۶، ص ۴۶۱۷؛ تاریخ طبرستان، ص ۲۳۴؛ مطلع سعیدین، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. تاریخ الفی، ج ۷، ص ۴۸۷۸؛ تاریخ ایران، دوره تیموریان، ص ۶۶.

۴. تاریخ بخارا، ص ۲۰۶.

۵. نک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۸۲۹.

۶. اتحاف الوری، ج ۳، ص ۴۲۱-۴۲۳.

۷. عجائب المقدور، ص ۱۴۱؛ تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۴۷۴.

۸. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۵۱۴؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۶۳۷.

آن رسیدگی کند و اموال مظلومان و حاجیان را بازگرداند و راهزنان را مجازات کنند.^۲ این گزارش تأییدگر عزیمت برخی از کاروان حاجیان ایرانی در این دوره از راه شام است. البته در برخی از سال‌های حکومت شاهرخ که از ثبات لازم برخوردار نبود و او به نبرد با ترکمن‌ها در شمال غرب ایران اشتغال داشت، حج تعطیل شد. (← ایران)

از دیگر کوشش‌های مهم شاهرخ در حرمین، فراهم کردن و فرستادن جامه کعبه بود. او مکاتباتی با حاکمان مصر داشت تا به آرزوی خود جامه عمل پوشانند؛ زیرا فراهم‌سازی و ارسال پرده خانه خدا تا آن روزگار در انحصار پادشاهان مصر بود. (← پرده کعبه) سلطان مصر پس از دریافت نامه شاهرخ، قضات را گرد آورد و در باره نذر شاهرخ برای ارسال جامه کعبه با آنان رایزنی نمود و قاضی القضاة با این خواسته موافقت نکرد.^۳ شماری از منابع از نامه‌نگاری مکرر شاهرخ تیموری با ملک اشرف برای دریافت اجازه برای فرستادن جامه کعبه، گزارش داده و آورده‌اند که سلطان مصر هر بار در پاسخ، انحصار این امر به مصریان را یادآور می‌شد.^۴

تیمور با لشکری در حال ورود به حجاز هستند. از این رو، شریف حسن بن عجلان، امیر مکه، برای استقبال آماده شد و پس از تفحص آشکار شد که محمل عراقی بدون سپاه وارد شده و تیمور آنان را از بغداد تجهیز کرده است.^۱

جانشینان تیمور نیز همانند خود وی، توفیق حج‌گزاری یا انجام ارائه خدمات مستقیم در حرمین را نیافتند. شاید دلیل آن افزون بر درگیری و رقابت میان خود، تسلط و نفوذ ممالیك (حك: ۶۴۸-۹۲۳ق.) بر حرمین شریفین باشد که از کوشش‌های رقبای خود به سبب بیم از نفوذ آنان پیشگیری می‌کردند.

از میان امیران تیموری، تنها شاهرخ به حرمین و حاجیان توجه فراوان کرد. وی به سال ۸۴۳ق. نامه‌ای برای سلطان مصر، ملک اشرف، در باره دادخواهی شماری از تاجران و حاجیان سرزمین‌های اردبیل و گیلان فرستاد که در مسیر حج شام، راهزنان به آنان حمله کرده بودند. شاهرخ برای تحقیق در این زمینه، برخی معتمدان خود، از جمله نظام الدین برلاس، غیاث الدین شیخ ابوالفضل کولتاش، نظام الدین احمد فیروز شاه و کمال الدین میرم را به دربار پادشاه مصر روانه کرد و از او خواست در صورت صحت این موضوع، به

۲. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ص ۱۴۶-۱۴۸.

۳. النجوم الزاهرة، ج ۱۵، ص ۴۹-۵۰.

۴. النجوم الزاهرة، ج ۱۵، ص ۴۹-۵۰، ۵۳.

۱. اتحاف الوری، ج ۳، ص ۴۴۴.

شاهرخ در نامه‌ای دیگر با نکوهش سلطان مصر برسبای مملوکی برای رشوه ستاندن از قضات و گرفتن مالیات (عشور) از بازرگانان بندر جده، او را تهدید کرد و از سفر خود برای زیارت بیت المقدس گزارش داد؛ اما سلطان مصر به نامه او اعتنا نکرد.^۱ با درگذشت اشرف به سال ۸۴۱ق. و روی کار آمدن ملک ظاهر (جقمق) روابط حکومت مصر با شاهرخ تیموری بهبود یافت و زمینه ارسال پرده کعبه فراهم شد.^۲ منابع از مکاتبات این دو سلطان یاد کرده‌اند.^۳ بر پایه گزارشی، سلطان مصر در نامه‌ای از شاهرخ خواسته بود با ارسال کتاب‌های تأویلات / اهل سنت از شیخ ابومنصور ماتریدی، تفسیر کبیر امام فخرالدین، شرح تلخیص جامع از خواجه مسعود حجازی، شرح کشف مولانا علاء الدین پهلوان، و شرح روضه در مذهب شافعی، به سفیر وی اجازه دیدار از شهرهای شیراز، اصفهان، یزد و کاشان داده شود. شاهرخ با پذیرش خواسته‌های سلطان مصر، هدایایی گرانبها همراه نماینده خود مولانا حسام الدین مبارک شاه به مصر فرستاد. با مرگ حسام در میان راه، فرزندش امیر رحیم، نامه و هدایای شاهرخ را

به سلطان مصر تقدیم کرد.^۴ شاهرخ به سال ۸۴۳ق. سفیری به نام سید شمس الدین محمد زمزمی را به مصر اعزام کرد تا درخواست خود برای زیارت خانه خدا و تهیه جامه کعبه را با سلطان مصر ملک ظاهر در میان بگذارد. او در پاسخ، با فرستادن هدایایی، شاهرخ را مخیر کرد تا هر هنگام که بخواهد، حج انجام دهد. برخی درخواست شاهرخ و موافقت سلطان مصر را به سال ۸۵۵ق. دانسته‌اند.^۵ در پی آن، شاهرخ به سال ۸۴۷ق. قصد سفر حج کرد و شیخ نورالدین محمد مرشدی و مولانا شمس الدین محمد ابهری را برای همراهی با خود انتخاب نمود. البته شاهرخ به دلیل بیماری نتوانست سفر حج انجام دهد؛ اما به دستور او جامه کعبه را که در یزد فراهم شده بود، هیئتی از بزرگان دولت تیموری به مصر فرستادند. سلطان مصر در مرز شام با مصر، به استقبال جامه و سفرای شاهرخ رفت. شماری از منابع از دستگیری نمایندگان اعزامی شاهرخ در مصر گزارش داده‌اند که در پی شایعه ناخرسندی سلطان مصر از آنان صورت گرفت. همین سبب شد که همه اموال و دارایی‌های فرستادگان شاهرخ، جز صندوق جامه کعبه، را غارت کنند. سلطان مصر با

۱. النجوم الزاهرة، ج ۱۵، ص ۶۰.

۲. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۲۳۸؛ جامع مفیدی، ج ۳، ص ۱۵۶؛ تاریخ

منتظم ناصری، ج ۲، ص ۶۹۵.

۳. تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۶۹۳.

۴. مطلع سعدین، ج ۴، ص ۴۸۶؛ تاریخ روضة الصفا، بخش ۲، ج ۶، ص ۵۳۹.

۵. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۱۳.

۸۵۰-۸۵۳ق.	میرزا الغ بیگ بن شاهرخ
۸۵۴-۸۵۴ق.	میرزا عبدالله بن ابراهیم بن شاهرخ
۸۵۲-۸۶۱ق.	میرزا بابر بن بایسنقر بن شاهرخ
۸۵۵-۸۷۳ق.	ابوسعید بن محمد بن میرانشاه
۸۷۳-۸۹۹ق.	احمد بن ابوسعید
۸۰۹-۹۰۰ق.	محمود بن ابوسعید
۸۷۵-۹۱۱ق.	حسین بایقرا

منابع

اتحاف السوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۰۸ق؛ احسن التواریخ: حسن بیگ روملو (م. ۹۸۵ق.)، به کوشش نوایی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ش؛ احیاء الملوک (تاریخ سیستان): ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین (م. قرن ۱۰ق.)، به کوشش ستوده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش؛ اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل: عبدالحسین نوایی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش؛ اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند: ابوالفضل مبارک (م. ۱۰۱۱ق.)، به کوشش طباطبایی مجد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ش؛ تاریخ اجتماعی ایران: مرتضی راوندی، تهران، نگاه، ۱۳۸۲ش؛ تاریخ ادبیات در ایران: ذبیح الله صفا، تهران، فردوس، ۱۳۷۸ش؛ تاریخ الفی: قاضی احمد تتوی و آصف خان قزوینی (م. ۹۹۶ق.)، به کوشش طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش؛ التاریخ القویم: محمد طاهر الکردی، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه: حسن پیرنیا و عباس اقبال، تهران، خیام، ۱۳۸۰ش؛ تاریخ ایران از زمان باستان تا

عذرخواهی از سفرا، مبلغی در اختیارشان نهاد و آنان با فراهم کردن وسایل سفر، همراه کاروان حج به مکه رهسپار شدند. سرانجام هیئت اعزامی از سوی شاهرخ با گزاردن مناسک حج، جامه کعبه را بر قامت خانه خدا پوشاندند و به خراسان برگشتند. بدین ترتیب، جامه‌ای یافته شده در ایران و فرستاده شده از جانب سلطان حاکم بر ایران بر قامت کعبه پوشانده شد.^۱ این اقدام شاهرخ که به سال ۸۴۸ق. و در شب عید قربان انجام گرفت^۲، در تاریخ بازتاب فراوان داشته است. در کنار این اقدام، صدقات ارسالی شاهرخ نیز در میان اهل حریم توزیع شد.^۳

منابع، افزون بر این کاروان حج، از اعزام کاروان‌های دیگر در دوران تیموری در سال‌های ۷۸۴ و ۸۱۳ و ۸۱۵ق. گزارش داده‌اند. (—ایران) این بیانگر روابط دوستانه تیموریان با دولت مملوکی مصر است.

جدول امیران تیموری^۴

۷۷۱-۸۰۷ق.	امیر تیمور
۸۰۷-۸۱۲ق.	میرزا خلیل بن میرانشاه بن تیمور
۸۰۷-۸۵۰ق.	میرزا شاهرخ بن تیمور

۱. تاریخ روضة الصفا، بخش ۲، ج ۶، ص ۵۴۵۳؛ مطلع سعدین، ج ۴، ص ۵۶۳.
۲. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۲۳۸.
۳. التاریخ القویم، ج ۳، ص ۵۶۰.
۴. نک: تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۶۵۰.

امروز: گرانوفسکی و دیگران، ترجمه: کیخسرو کشاورز، تهران، پویش، ۱۳۵۹ش؛ **تاریخ ایران دوره تیموریان**: دانشگاه کمبریج، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۷۹ش؛ **تاریخ ایران**: سر پرسی سایکس (م. ۱۹۶۵)، ترجمه: فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، ۱۳۸۰ش؛ **تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر**: میرزا شمس بخارایی، به کوشش عشیق، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۷ش؛ **تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان**: عزیزالله بیات، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ش؛ **تاریخ حبیب السیر**: غیاث الدین خواند امیر (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش سیاقی، خیام، ۱۳۸۰ش؛ **تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء**: محمد بن خاوند شاه بن محمود میرخواند (م. ۹۰۳ق.)، به کوشش کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران**: سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی (م. ۸۹۲ق.)، به کوشش تسبیحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵ش؛ **تاریخ کامل ایران**: سر جان ملکم (م. ۱۸۴۳)، ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت، تهران، افسون، ۱۳۸۰ش؛ **تاریخ منتظم ناصری**: محمد حسن خان اعتماد السلطنه (م. ۱۳۱۳ق.)، به کوشش رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷ش؛ **جامع مفیدی**: محمد مفید مستوفی بافقی (م. قرن ۱۱ق.)، به کوشش افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵ش؛ **دانشنامه جهان اسلام**: زیر نظر حداد عادل و دیگران، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ **رجال کتاب حبیب السیر**: عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ش؛ **زبدة التواریخ**: عبدالله حافظ ابرو (م. ۸۳۴ق.)، به کوشش حاج سید جوادی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۰ش؛

سفرنامه فوروکاوا: نوبویوشی فوروکاوا، ترجمه: هاشم رجبزاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ش؛ **شرفنامه تاریخ مفصل کردستان**: شرف خان بن شمس الدین بدلیسی (م. قرن ۱۰ق.)، به کوشش ولادیمیر ولیامینوف، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷ش؛ **ظفرنامه تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی**: نظام الدین شامی (م. قرن ۹ق.)، به کوشش پناهی سمنانی، تهران، بامداد، ۱۳۶۳ش؛ **ظفرنامه**: شرفالدین علی یزدی (م. ۸۵۸ق.)، به کوشش نوایی و میرمحمد صادق، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ش؛ **عجائب المقدور فی نوائب تیمور**: احمد الدمشقی ابن عربشاه (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش زکار، دمشق، التکونین، ۲۰۰۸م؛ **فرهنگ جامع تاریخ ایران**: عباس قدیانی، تهران، آرون، ۱۳۸۷ش؛ **مطلع سعدین و مجمع بحرین**: عبدالرزاق السمرقندی (م. ۸۸۷ق.)، به کوشش نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۳ش؛ **النجوم الزاهره**: یوسف بن تغری بردی (م. ۸۷۴ق.)، قاهره، به کوشش شلتوت و دیگران، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۹۲ق.

سید محمود سامانی؛ مهدی پورمحبی آبادی

